

## بهار مجنون وطن در عصر مشروطه و انعکاس آن در تحولات رسانه‌ای ایران (براساس آرشیو نشریات گنجینه رضوی)

### چکیده

واژه عشق همواره یکی از کلیدی‌ترین واژگان در پهنه زبان فارسی برای بیان احساسات، مورد توجه شعرای بسیاری بوده و در این رهگذر، در قرون مختلف، شاعران بسیاری با مورد خطاب قراردادن عشق، زیباترین اثر ادبی کارنامه هنری خود را آفریده‌اند. موضوع عشق معمایی‌ست بی شرح که در حیطة دانش هیچ‌کس نمی‌گنجد و هر کس به مقتضات دریافت درونی خود درباره عشق و ماهیت آن سخن گفته و با بیان گونه‌گون از قصه ناتمام عشق در هر عصر و دوره‌ای دم زده است. یکی از این شعرای ادب معاصر، میرزا محمدتقی ملک‌الشعراى بهارست که در عصر مشروطه با توجه به اوضاع حاکم در بحث وطن، و آزادی وطن از چنگال اجانب، با کلام شیوایی سیمای عشق را در قالب حب‌الوطن، به تصویر کشیده است، در این مقاله سعی بر آن است که به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جلوه‌های ویژه عشق در دیوان بهار از منظر وطن‌پرستی پرداخته و به این سؤال پاسخ می‌دهد که عشق از منظر او چه صفات و ویژگی‌هایی دارد و آیا تفاوتی با عشق سایر شعرا در ادوار گذشته داشته یا خیر. مقوله بعدی که این پژوهش دنبال می‌کند تحولات رسانه در گنجینه نشریات رضوی است و یافته‌ها حاکی از استمرار هنر انتقال مفاهیم در نشریات دوره قاجار است.

### اهداف پژوهش:

۱. شناخت شیوه‌های تصویرگری بهار در قالب الفاظ و معانی ملموس نسبت به وطن.
۲. شناخت تحولات رسانه‌ای در گنجینه نشریات رضوی.

### سؤالات پژوهش:

۱. دیدگاه بهار نسبت به عشق چه صبغهای دیگر دارد؟
۲. تحولات رسانه‌ای چه بازتابی در گنجینه نشریات رضوی دارد؟

**کلیدواژه‌ها:** عشق، وطن‌پرستی، بهار، تحولات رسانه‌ای، عصر مشروطه.

## مقدمه

در اکثر دیوان‌های شعرای ادب فارسی، بن‌مایه اصلی موضوعات شعری عشق است. هر کدام از شعرا و عرفای پهنه ادب، بر حسب روحیات و نگاهی که به جهان خلقت و فلسفه حیات دارند، با سبک خاص خود، عشق را بیان نموده و با نگاه‌های متفاوت موجب تقسیم عشق به مجازی، حقیقی، عرفانی و زمینی شده‌اند. در ادبیات فارسی عشق را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ عشق مجازی یا زمینی و عشق الهی یا عرفانی. «موضوع عشق معمایی است بی شرح و موضوعی است که در حوصله دانش هیچ‌کس نمی‌گنجد و هر کس به مقتضای دریافت ذوقی خود در حق عشق و درباره‌ی ماهیت و تعریف آن، سخن‌ها گفته و با بیان گونه‌گون از قصه نامکرر عشق دم زده است» (میر قادی، ۱۳۸۴: ۱۶۵). به بیانی دیگر، عشق، افراط محبت است ... عشق درخت وجود عاشق را در تجلی جمال معشوق محور گرداند که تا چون ذلت عاشقی برخیزد، همه عشق ماند، و عاشق مسکین را از آستانه نیاز در مسند ناز نشاند و این نهایت مراتب محبت است (خمینی (ره)، ۱۳۷۴: ۲۳۰).

عشق واژه‌ای است بسیار مقدس که حیات و ملمات کائنات بر پایه آن استوار است. به قول مولانا داستان عشق داستانی دیگر است، شاعران عارف به نوعی و شاعران غیر عارف به نوعی دیگر عشق را در کلام خود استعمال کرده و برخی آن را محور سخن خود قرار داده‌اند. افلاطون می‌گوید: روح انسان در عالم مجردات قبل از ورود به دنیا حقیقت زیبایی و حس مطلق یعنی خیر را بدون پرده و حجاب دیده است، پس در این دنیا چون حس ظاهری و نسبی و مجازی را می‌بیند از آن زیبایی مطلق که سابقاً درک نموده یاد می‌کند، غم هجران به او دست می‌دهد و هوای عشق او را برمی‌دارد، فریفته می‌شود و مانند مرغی که در قفس است می‌خواهد به سوی او پرواز کند (شاکر، ۱۳۸۸: ۲۲۷).

هیچ‌گاه ادبیات از عشق خالی نبوده و در این تحقیق نیز پرسش اصلی در این زمینه صورت گرفته بهار در زمره شاعرانی است که در عصر مشروطه با توجه به اوضاع حاکم در بحث وطن با کلامی شیوا کلمه عشق را در قالب حب الوطن معرفی نموده و به تصویر کشیده و در جای‌جای دیوان او با شور و حرارت خاصی سروده‌هایی برای وطن تقدیم داشته که در آن آزادی وطن و در اسارت نبودن آن را از خداوند خواسته است؛ لذا در این مقوله با بررسی سروده‌های وطنی وی به این سؤال پاسخ دهیم که عشق از نظر وی اساساً چه صفات و ویژگی‌هایی دارد و آیا عشق او مجازی است یا معنوی؟ آشنایی فراوان بهار به علوم متعدد و اشارات وی در اشعارش با ترکیبات ویژه و خاص و استفاده از مصادر فراوان لغات عربی، دانستن شعر او را منوط به یافتن لغات و صور خیال نموده و گستردگی توصیف‌گری وی که از طبع و ذوق سرشار او سرچشمه می‌گیرد نیازمند به مطالعه فراوان دیوان لغات داشته و پس از مطالعه مضامین فکری و اندیشه‌های ناب او اشارات به وطنیات وی به‌طور مجزا دسته‌بندی و جمع‌آوری گردید. برای تحقق به این امر به روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از تمامی مضامین شعری او و انطباق معانی شعری با مضمون عشق کاری بود که در مدت ۳ ماه و با صرف وقت بیش از ۳۰۰ ساعت و مطالعه قصاید و غزلیاتش به روش بیت‌محوری، شاهد مثال‌ها جمع‌آوری و در پایان کار با دسته‌بندی در خصوص اجتماعی، سیاسی، عاطفی به رشته تحریر درآمد تا مقاله کنونی شکل گرفت.

در زمینه اندیشه‌های وطن‌پرستی و وطن‌دوستی، پژوهشگرانی چند در عرصه ادب پارسی قلم‌فرسایی نموده و وطن و وطنیات خود را در آینه زلال افکار خویش ترسیم و به رشته تحریر درآورده‌اند؛ از آن جمله «لیلای وطن در آغوش مشروطیت» از حسینی و سرحدی (۱۳۹۰) به بررسی انگیزه‌ها و سطوح وطن‌پرستی در شعر شاعران برجسته عصر مشروطه به‌طور مشروح بررسی پرداخته‌اند. همچنین مقاله «تحلیل مفهوم وطن در شعر و اندیشه میرزاده عشقی» از

شمعی و بیطرفان (۱۳۹۳) به تحلیل مفهوم وطن، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای میرزاده عشقی در ارتباط با مسائل سرزمینش تبیین پرداخته‌اند. «اندیشه وطن در شعر دوره مشروطه» از بهنام‌فرد (۱۳۸۸)، با نگاهی گذرا به مفهوم قدیم و جدید وطن و جایگاه این اندیشه در شعر دوره مشروطه به مسئله وطن پرداخته. و در مقاله «وطن در شعر دوره مشروطه» از نیکوبخت و زارع (۱۳۸۵) نیز وطنیات شاعران مشروطه را بررسی نموده است. اما مقاله «بررسی درون‌مایه وطن در اشعار بهار و حافظ ابراهیم» از نوروززاده چگنی و مریمی (۱۳۹۲) به بررسی وطنیات آن دو و بیزاری‌شان از تسلط بیگانگان بر وطن پرداخته، مورد مطالعه و تفحص قرار گرفته است. در مقاله «مقایسه تطبیقی جلوه‌های وطن‌پرستی در اشعار بهار و ایلیا ابوماضی شاعر لبنانی» از عبادی و رضانی (۱۳۹۴)، مشترکات و مفترقات اندیشه‌های وطنی این دو شاعر را به بحث کشانده بررسی گردیده است. همچنین در بررسی و تفحص در مقاله جلوه‌های ملی‌گرایی در شعر شوقی و بهار، که دو شاعر معاصر در دو حوزه متفاوت ادبیات فارسی و ادبیات عرب هستند این‌گونه مستفاد گردید که به سبب داشتن ویژگی‌های مشابهی چون همزمان بودن، زیستن در هنگام استبداد سیاسی، درگیری با کشورهای استعمارگر، آزادی‌خواهی و داشتن مبارزات انقلابی و تحمل تبعید و زندان از نظر فکری و ادبی بسیار به هم نزدیک‌اند. این مشابهت به حدی است که به رغم بی‌خبری این دو شاعر از یکدیگر و اینکه هیچ نام و نشانی از یکی در دیوان دیگری به چشم نمی‌خورد، روح مشترکشان آن‌ها را کاملاً آشنا جلوه می‌دهد. دو روحی که در سایه تربیت اسلامی بالیده‌اند و به کمال رسیده‌اند. بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر نشان می‌دهد که میهن‌دوستی و عشق به وطن از جلوه‌های بارز اندیشه‌های آنان است.

تفاوت مقاله موجود با پژوهش‌ها و مقالات مذکور در آن است که در بررسی ویژه جلوه‌های عشق در دیدگاه بهار صبغه‌ای متفاوت با دیگر شعرای معاصر دیده شده و از منظر ناسیونالیستی او همچو مجنون به قد خرامنده لیلی در قالب وطن می‌نگرد. بارزترین احساسات این شاعر فرهیخته و طینه‌سرای او از روی دل دردمند و آه و ناله جانسوز مادری برای کودک درون پرورده‌اش می‌باشد؛ همان وطنی که او چون گل می‌بوید و به قد خرامنده‌اش می‌نگرد و چون دایه‌ای دلسوز برای نجات وطن خود را به حبس می‌افکند تا شاید قدمی برای نجات وطن برداشته باشد. عشق او به وطن عشقی است جان‌گداز و مملو از احساس مسئولیت در راه اعتلای فرهنگی و رشد اقتصادی کشور بدون سرسپردگی به اجانب؛ گویی قلبش فقط و فقط برای وطن می‌تپد و انتظارش از این سُرْایش مجنون‌وار حاکمیت و تمامیت ارضی کشور است برای مقابله با بیگانگان و رسیدن به قله افتخار. اما آنچه در این مقاله از اهمیت ویژه برخوردار است که تاکنون بدان اشاره نشده وطن‌پرستی تا پای از دست‌دادن آزادی، و ترجیح حصر در زندان بر گنج در دست غریبان و اجانب است که شور وطن‌پرستی را در حد اعلا به تصویر می‌کشد. اندیشه وطن‌پرستی در این شاعر به گونه‌ای محصول تحولات عصر قاجار است، زیرا جوّ دینی و مذهبی و ترجیح آن بر افکار غربی بستری مناسب برای بیداری وطن به وجود می‌آورد.

### نتیجه‌گیری

استاد بهار ملک‌الشعرا عصر خویش بود. او در میدان هنرنمایی سخن سمند فصاحت و بلاغت را به جولان آورده و چکامه‌ها و قصاید و غزلیات فراوان به پیشگاه علم و ادب تقدیم نموده است. شعر بهار، شعری روان و رساست، او قصاید خود را به اقتضای طبع و غزلیات را بر سبیل تفنن می‌سرود. در میان غزل‌های او نمونه‌هایی که بتوان آن‌ها را از حیث مضمون با سروده‌های دیگر غزل‌سرایان مقایسه کرد، کم‌تر می‌توان پیدا نمود. هرچند از جنبه لفظی و فخامت و انسجام

کلام بدان ایرادی نمی‌توان گرفت، جز آنکه در غزل؛ برخلاف رسم متعارف، گاه به تصریح و گاه به کنایه، مضامین انتقادآمیز و شکواییهٔ وطنی و سیاسی را نیز گنجانیده است.

بهار با دوری از تکلف و تصنع، اشعاری زیبا و فصیح آفرید. دقت نظر بهار در توجه به لفظ و معنا کم نظیر است. او در خلق تصاویر و توصیفات به‌ویژه بیان مسائل اجتماعی و سیاسی، با شهامت تمام از وطن دفاع کرده و از ملت غیرت و حمیت طلب می‌کند. بهار علاوه بر مشاغل دولتی و اجتماعی، در علم و ادب و نویسندگی، در انظار جهانیان مقامی کم‌نظیر یافته و در همین مرحلهٔ پختگی و اجتهادست که از عشق و پایداری در راه وطن و تاختن به اجانب طبع‌آزمایی نموده و میراثی عاشقانه در کنار پرداخت‌های سیاسی و اجتماعی، برای ما به یادگار گذاشته است؛ که مهم‌ترین مؤلفهٔ وطن‌دوستی بهار، خدمت صادقانه و بی‌ادعای او به وطن است. عشق و سیاست در سیرت عاشقانه بهار، و نگاه به آلام و مصیبت‌های وطن در دوران ناکسان و ناهلان، و بی‌تفاوتی عمال بی‌سیاست، از واقعیات سیاسی آن روز است که در قالب مستزادگونه از ماست که بر ماست به سادگی و صراحت بیان می‌دارد. او ملت ایران را ملتی می‌داند که از وطن‌پرستی تنها داعیه‌ای دارند که به هنگام عمل ترسو و خائف سر در زیر عبا کرده و دست دشمنان داخلی و خارجی را در تطاول و دست‌اندازی به وطن باز می‌گذارند و کلام آخر: او عاشقانه در راه وطن و اعتلای فرهنگی آن قلم‌فرسایی کرده و همهٔ ملت را به شهامت، غیرت و حمیت دعوت می‌کند و سرپرستی ملت را به دست خداوند می‌سپارد.

یا رب تو نگهبان دل اهل وطن باش      که امید بدیشان بود ایران کهن را

#### منابع و مأخذ:

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۶). «اندیشهٔ ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار». چاپ پنجم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۵۷). از صبا تا نیما. چاپ پنجم. تهران: انتشارات فرانکلین.
- آزند، یعقوب. (۱۳۶۳). ادبیات نوین ایران (از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۷۷). گزیدهٔ رباعیات عطار نیشابوری. تهران: اساطیر.
- امین مقدس، ابوالحسن؛ سیاوشی، صابره. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی جلوه‌های ملی‌گرایی در شعر شوقی و بهار». مجله ادبیات مجله ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲، ۲۹-۱.
- امام خمینی (ره)، روح‌الله. (۱۳۷۴). گزیده‌ای از اندیشه و آرا امام خمینی (ره). قم: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- برزگر خالقی، محمدرضا. (۱۳۸۲). حافظ، شرح غزل‌ها. تهران: زوآر.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۵۶). (دیوان اشعار). دو جلد. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهنام‌فرد، محمد. (۱۳۸۸). «اندیشه وطن در شعر دوره مشروطه». فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان فارسی، شماره ۲۶.
- جلالی، لیلا. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی وطن‌دوستی محمود درویش و ملک‌الشعرا بهار». مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۳۸، ۱۱۱-۱۳۴.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین. (۱۳۶۲). دیوان شعر. به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوآر.

- حسن‌زاده، رسول. (۱۳۸۵). «حاکمیت و رهبری در اندیشه بهار». فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ۶۱-۶۲، ۳۰-۱.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۲). دیوان دهخدا. به کوشش دکتر سید محمد دبیر سیاقی، چاپ سوم: نشر تیراژه.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۶). شرح جامع مثنوی معنوی. جلد ۱ و ۲، تهران: اطلاعات.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۷). بوستان سعدی. چاپ اول، قم: نسیم حیات.
- شاکر، کریم. (۱۳۸۸). «جلوه‌های عشق در شعر حسینی منزوی». فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۲۱.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین. (۱۳۹۰). «لیلای وطن در آغوش شعر مشروطیت». فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۱۰، ۲۵۵-۲۲۷.
- شمعی، میلاد؛ بیطرفان، مینو. (۱۳۹۳). «تحلیل مفهوم وطن در شعر و اندیشه میرزاده عشقی». مجله علمی پژوهشی شعرپژوهی، دوره ۶، شماره ۱، ۱۶۰-۱۳۷.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۶). فرهنگ تلمیحات، تهران: فردوسی.
- کسروی، سید احمد. (۱۳۴۰). تاریخ مشروطه ایران. چاپ پنجم: انتشارات امیرکبیر.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۷۳). فرهنگ اشعار صائب. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی. چاپ اول، تهران: حیدری.
- میرقادری، میمنت. (۱۳۷۳). واژه‌نامه هنر شاعری. چاپ اول، تهران: کتاب مهناز.
- نیکویخت، ناصر؛ زارع، غلامعلی. (۱۳۸۵). «وطن در شعر دوره مشروطه». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، دوره ۱۴، شماره ۵۴ و ۵۵، ۱۴۹-۱۳۱.
- وصال شیرازی. (۱۳۸۷). دیوان. تصحیح و تنظیم: محمد طاووسی، شیراز: انتشارات نوید.